



اتو کروزہ

برگردان: پیمان کی فرخی

فن و ہنر داستان نویسی

چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم

فن و هنر داستان نویسی
یا چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم

أتو کروزه
برگردان پیمان کی فرخی



نشر اختران

سرشناسه	Kruse, Otto	کروزه، اوتو
عنوان و نام پدیدآور	فن و هنر نویسندگی، یا، چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم/ اوتو کروزه؛ برگردان پیمان کی فرخی.	
مشخصات نشر	تهران: اختران، ۱۳۹۵.	
مشخصات ظاهری	۳۰۲ ص. ۲۱/۵×۱۴۵/۵	
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۷۹-۴	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا		
یادداشت	عنوان اصلی: <i>Kunst und Technik des Erzählens: Wie Sie das Leben zur Sprache bringen können</i> , 2002	
عنوان دیگر	چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم	
شناسه افزوده	کی فرخی، پیمان، ۱۳۵۳-، مترجم.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ک ۴۳ ف ۹۶ / ۳۳۵ PN	
رده‌بندی دیویی	۲/۵۸۰۸	
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۳۸۴۸۱	

این کتاب ترجمه‌ای است از

Otto Kruse, *Kunst und Technik des Erzählens: Wie Sie das Leben zur Sprache bringen können*, ZWEITAUSENDEINS, 2002



نشر اختران

فن و هنر نویسندگی

چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم

اوتو کروزه

مترجم: پیمان کی فرخی

ویراستار: پیام یزدانی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیمان - چاپ و صحافی بهمن

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۰۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran فروشگاه: ۰۶۶۴۱۱۴۲۹

www.akhtaranbook.ir

info@akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۷۹-۴

همه‌ی حقوق برای نشر اختران محفوظ است

بها: ۲۲۰۰۰ تومان

مقدمه‌ی ناشر آلمانی

فن و هنر داستان‌نویسی نخستین کتاب آلمانی شامل برنامه‌ای جامع برای تمرین نویسندگی خلاق است.

در آلمان، سرزمین شاعران و متفکران، به شکل روزافزونی تفکر و داستان‌نویسی به نویسندگان حرفه‌ای و صنعت رسانه واگذار می‌شود و ما — مردم آلمان — قدم در راهی گذاشته‌ایم که ممکن است به ملتی مصرفی مبدل شویم و خلاقیت زبانی مان را از دست بدهیم. بدین ترتیب یکی از فنون فرهنگی سنت غنی آلمان از دست می‌رود.

آتو کروزه کتاب *فن و هنر داستان‌نویسی* را به این نیت نوشته است که یک بار دیگر داستان‌نویسی را به منزله‌ی امکان تعمق درباره‌ی زندگی و شیوه‌ی بیان زندگی در زبان، به ما معرفی کند. تا جایی که ما اطلاع داریم، او نخستین نویسنده‌ی آلمانی است که کتابی کاربردی برای نویسندگی ادبی و داستان‌نویسی پیشرفته تألیف کرده است. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه می‌توان توجه خوانندگان را جلب کرد، کشاکش آفرید و قهرمان‌ها را خلق کرد تا خوانندگان با آنها همذات‌پنداری کنند و چگونه می‌توان عمیق‌ترین احساسات خوانندگان را برانگیخت. کتاب چهار ترمز قوی خلاقیت را تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان خلاقیت داستانی را پرورش داد. نویسندگان باید دانش فنون داستان‌نویسی و ترکیب‌بندی را بیاموزند و تمرین کنند. از این رو مثال‌هایی عملی هم در کتاب گنجانده شده است و بیش‌ازهمه این جنبه از کتاب اهمیت دارد، چراکه به گفته‌ی آتو کروزه: «داستان‌نویسی را فقط از طریق انجام آن می‌توان آموخت.»

درباره‌ی نویسنده

آتو کروزه استاد روان‌شناسی مدرسه‌ی عالی اِرفورت و متخصص تحقیق در فرایندهای خواندن، نوشتن و انتقال مهارت‌های نویسندگی است. کتاب‌های قبلی او عبارتند از: *از برگه‌ی سفید نترسید* (انتشارات Campus، چاپ دهم ۲۰۰۱)، *خلاقیت، نیروی محرکه‌ی تغییر و رشد* (انتشارات DGVT، ۱۹۹۷) و *توانش نوشتن* (با همکاری آ. ام. یاکوبز و گ. روهمان، انتشارات Luchterhand، ۱۹۹۹).

فهرست

۱۷ مقدمه
۲۱ فصل یکم: هنر بیان زندگی در زبان
۲۱ اندیشه‌ی اصلی کتاب
۲۴ ضعف و قوت راوی
۲۶ رشد استعداد داستان‌گویی
۲۹ آیا روایت‌ها حاضر و آماده‌اند؟
۳۱ فصل‌بندی کتاب
۳۳ فصل دوم: جهان پر از داستان است
۳۳ زبان ماجراجویی
۳۷ داستان‌ها زندگی را شکل می‌دهند
۴۵ داستان‌گویی چیست؟
۵۲ خشم آشیل و پیامدهای آن
۶۲ لحن داستان
۶۷ روان آشکار
۷۳ صحنه‌ی تئاتر در حکم مکان داستان‌گویی
۷۸ داستان ۲۵۰ میلیون دلاری
۸۳ تکالیف راوی
۸۸ «داستان نگو!»
۹۱ گرایش به اصالت
۹۳ گرایش به نوشتن و پرهیز از افشای احوالات خود
۹۴ گرایش به نوشتن داستان‌های «خوب»
۹۵ گرایش به نوشتن متون مهم
۹۷ فصل سوم: یافتن لحن داستانی خود
۹۷ برای نوشتن آماده شوید!
۹۸ داستان‌گویی
۹۹ تمرین ۱
۱۰۰ ارزیابی
۱۰۰ فکر کردن با صدای بلند

۱۰۱.....	تمرین ۲.....
۱۰۲.....	ارزیابی.....
۱۰۳.....	تصویرسازی.....
۱۰۳.....	تمرین ۳.....
۱۰۴.....	ارزیابی.....
۱۰۴.....	تمرین ۴.....
۱۰۵.....	ارزیابی.....
۱۰۶.....	تداعی معانی.....
۱۰۷.....	تمرین ۵.....
۱۰۸.....	ارزیابی.....
۱۰۸.....	گفتن ناگفته‌ها.....
۱۱۰.....	تمرین ۶.....
۱۱۱.....	ارزیابی.....
۱۱۲.....	تخیلی کردن جهان در دوران کودکی.....
۱۱۳.....	تمرین ۷.....
۱۱۴.....	ارزیابی.....
۱۱۴.....	تمرین ۸.....
۱۱۵.....	ارزیابی.....
۱۱۷.....	زیباترین اعتراف من.....
۱۱۷.....	تمرین ۹.....
۱۱۸.....	ارزیابی.....
۱۱۸.....	داستان‌های کودکان.....
۱۱۸.....	تمرین ۱۰.....
۱۱۹.....	ارزیابی.....
۱۲۰.....	ابداع بهانه.....
۱۲۰.....	تمرین ۱۱.....
۱۲۱.....	ارزیابی.....
۱۲۱.....	چرا نوشتن؟.....
۱۲۲.....	تمرین ۱۲.....
۱۲۲.....	ارزیابی.....
۱۲۳.....	تمرین ۱۳.....
۱۲۳.....	ارزیابی.....
۱۲۴.....	تمرین ۱۴.....
۱۲۴.....	ارزیابی.....

۱۲۵	فصل چهارم: خدمه‌ی راوی
۱۲۵	هراس خالق از لحن
۱۲۷	مسئولیت‌پذیری در قبال شخصیت‌ها
۱۳۰	کجا می‌توان شخصیت‌های داستانی را یافت؟
۱۳۲	تمرین ۱۵
۱۳۲	ارزیابی
۱۳۳	از شخصیت به پیرنگ
۱۳۶	پرداخت شخصیت‌های داستانی و آزمون آنها
۱۳۷	تمرین ۱۶
۱۳۷	ارزیابی
۱۳۹	بوته‌ی آزمایش
۱۴۱	چگونه قهرمان را وارد داستان کنیم؟
۱۴۳	تمرین ۱۷
۱۴۳	ارزیابی
۱۴۴	شخصیت‌ها باید عمیق باشند
۱۴۴	تمرین ۱۸
۱۴۵	ارزیابی
۱۴۵	تمرین ۱۹
۱۴۶	ارزیابی
۱۴۶	شخصیت‌ها باید فضای بازی داشته باشند
۱۴۸	شخصیت‌ها باید با واقعیت مرتبط باشند
۱۴۹	قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها
۱۵۰	تمرین ۲۰
۱۵۱	ارزیابی
۱۵۲	خلق شر
۱۵۲	تمرین ۲۱
۱۵۳	ارزیابی
۱۵۶	تمرین ۲۲
۱۵۶	ارزیابی
۱۵۶	همبازی
۱۵۷	تمرین ۲۳
۱۵۸	ارزیابی
۱۵۹	فصل پنجم: فن روایت
۱۶۰	ارزیابی
۱۶۱	مثال

۱۶۲.....	تمرین ۲۵.....
۱۶۲.....	ارزیابی.....
۱۶۳.....	مثال.....
۱۶۵.....	تمرین ۲۶.....
۱۶۵.....	ارزیابی.....
۱۶۶.....	مثال.....
۱۶۷.....	جهان درونی تفکرات.....
۱۶۸.....	مثال.....
۱۶۹.....	مثال.....
۱۷۰.....	مثال.....
۱۷۱.....	تمرین ۲۷.....
۱۷۱.....	ارزیابی.....
۱۷۱.....	مثال.....
۱۷۲.....	مثال.....
۱۷۳.....	مثال.....
۱۷۴.....	تمرین ۲۸.....
۱۷۴.....	ارزیابی.....
۱۷۵.....	احساسات آشکار و احساسات پنهان.....
۱۷۸.....	تمرین ۲۹.....
۱۷۸.....	ارزیابی.....
۱۷۹.....	مثال.....
۱۸۲.....	تمرین ۳۰.....
۱۸۲.....	ارزیابی.....
۱۸۳.....	تمرین ۳۱.....
۱۸۳.....	ارزیابی.....
۱۸۳.....	مثال.....
۱۸۴.....	توصیف‌ها.....
۱۸۵.....	تمرین ۳۲.....
۱۸۶.....	ارزیابی.....
۱۸۶.....	تمرین ۳۳.....
۱۸۷.....	ارزیابی.....
۱۸۷.....	مثال.....
۱۸۸.....	تمرین ۳۴.....
۱۸۹.....	ارزیابی.....
۱۹۳.....	با همه‌ی حواس.....

۱۹۳	تمرین ۳۵
۱۹۴	ارزیابی
۱۹۴	تمرین ۳۶
۱۹۴	ارزیابی
۱۹۵	روایت در قالب اول شخص
۱۹۵	تمرین ۳۷
۱۹۷	ارزیابی
۱۹۹	تمرین ۳۸
۱۹۹	ارزیابی
۲۰۰	مثال
۲۰۱	زمان دستوری
۲۰۳	تمرین ۳۹
۲۰۳	ارزیابی
۲۰۶	توضیح راوی و خوداندیشی راوی
۲۰۸	تمرین ۴۰
۲۰۸	ارزیابی
۲۰۹	مثال
۲۰۹	دیالوگ‌ها
۲۱۳	تمرین ۴۱
۲۱۳	ارزیابی
۲۱۴	تمرین ۴۲
۲۱۵	ارزیابی
۲۲۱	فصل ششم: به جریان انداختن داستان
۲۲۱	فرایند ترکیب‌بندی
۲۲۵	ایده‌ی دراماتیک
۲۲۶	مثال
۲۲۷	تمرین ۴۳
۲۲۷	ارزیابی
۲۲۷	تمرین ۴۴
۲۲۷	ارزیابی
۲۲۷	فرض‌ها
۲۲۸	مثال
۲۳۰	تمرین ۴۵
۲۳۰	ارزیابی
۲۳۰	پیرنگ یا خط داستانی

۲۳۱ مثال
۲۳۲ تمرین ۴۶
۲۳۳ ارزیابی
۲۳۳ چارچوب دراماتیک
۲۳۶ تمرین ۴۷
۲۳۶ ارزیابی
۲۳۷ مرکز ثقل بازنمایی
۲۳۸ پیرنگ اصلی و پیرنگ فرعی
۲۳۹ تمرین ۴۸
۲۴۰ ارزیابی
۲۴۰ دیدگاه‌های روایی
۲۴۱ مثال
۲۴۳ داستان پس داستان
۲۴۶ جایگزین‌های ساختار دراماتیک
۲۴۹ فصل هفتم: سازمان‌دهی فرایند نوشتن
۲۴۹ نوشتن در حکم سبک زندگی
۲۵۳ درباره‌ی تنوع بی‌نهایت امکان‌های داستان‌نویسی و مضامین جاوید
۲۶۱ سرخوشی و یأس از بازنویسی
۲۶۶ بازنویسی پیرنگ و ساختار
۲۷۰ پرداخت زبانی
۲۷۵ فصل هشتم: نکات نهایی
۲۷۵ خواب شاهزاده‌خانم
۲۷۷ داستان‌نویسی، حرفه‌ی بی‌وطن
۲۷۹ چگونه پیش برویم؟
۲۸۳ منابع
۲۸۷ منابع تکمیلی:
۲۸۷ منابعی درباره‌ی شکل‌دادن به متون روایی
۲۸۸ رهیافت‌هایی به داستان‌گویی در فیلم‌نامه‌نویسی:
۲۸۹ نوشتن زندگی‌نامه‌ای
۲۸۹ درباره‌ی سبک نوشتن
۲۹۱ واژه‌نامه‌ی آلمانی - فارسی
۲۹۹ نمایه‌ی نام‌ها

مسئله این است که همیشه در حیرت از هستی باشی تا این که گفته‌های دیگران را نیندیشیده بپذیری و طوطی‌وار تکرار کنی.*

فیلیپ راث

مقدمه

داستان‌گویی از آن دست کنش‌های روزمره‌ای است که ما از روی عادت و بی‌درنگ انجام می‌دهیم، بدون آن‌که به معنای ژرف‌تر یا خلق آن بیندیشیم. مثلاً دوستانمان را برای صرف غذا دعوت می‌کنیم و با شوق و ذوق غذاها، چیدمان میز و نوشیدنی‌ها را انتخاب می‌کنیم، اما از این نکته غافلیم که هدف این مناسک را داستان‌گویی محقق می‌کند. اگر داستان‌های خودمان را تعریف کنیم و داستان‌های جالبی هم بشنویم، شب خوبی را با دوستانمان می‌گذرانیم. با داستان‌گویی یکدیگر را سرگرم و آگاه می‌کنیم، خودمان را معرفی می‌کنیم، بر یکدیگر اثر می‌گذاریم یا طلب همدردی می‌کنیم. همین‌طور با داستان‌گویی می‌توانیم صمیمیت و اعتماد ایجاد کنیم.

گرچه داستان‌گویی کنشی ضمنی تلقی می‌شود، اما نباید از این اصل مهم غافل شد که روایت از شیوه‌های اصلی ارتباطات انسانی است و در همبستگی‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد. روایت‌ها متون بنیادین ادیان و ایدئولوژی‌ها هستند. اعتقاد ما به وجود تاریخی گروه‌های انسانی و دولت‌ها، متأثر از روایت‌هایی است که در قالب اسطوره از آنان باقی مانده است. روایت‌ها در رشد اجتماعی و زبان‌آموزی کودکان نقش مهمی دارند و شالوده‌ی هویت و «خودشناسی زندگی نامه‌ای» انسانند. به‌علاوه روایت اساس هنر، تئاتر، ادبیات و فیلم است.

* گفت‌وگوی دنیس شیک با فیلیپ راث در نسخه‌ی الکترونیکی روزنامه‌ی دی سایت، مصاحبه‌ی کامل به آدرس زیر در دسترس است. م.

پس داستان‌گویی فقط کاری لذت‌بخش نیست، بلکه پیوندی ناگسستنی با تکوین فرهنگ انسانی دارد. با ظهور خط، داستان از محدودیت‌های زبان شفاهی رهایی یافت. در متون مکتوب، روایت‌ها پالوده و حفظ شدند و کلمه‌به‌کلمه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافتند. داستان‌گویی امری جهانی است. رولان بارت می‌گوید: «هیچ جایی ملت بی‌روایتی وجود نداشته و ندارد؛ همه‌ی طبقه‌ها و گروه‌های انسانی روایت‌های خودشان را دارند و در بیشتر موارد، مردم فرهنگ‌های مختلف و حتا متعارض، این روایت‌ها را به شکلی یکسان ارزش‌گذاری می‌کنند. روایت، ادبیات خوب یا بد نیست؛ امری بین‌المللی است، تاریخ‌ها و فرهنگ‌ها را پشت سر گذاشته و فی‌نفسه وجود دارد، مانند خود زندگی.»^۱

رهیافت شخصی من به داستان‌گویی کمی متفاوت است. من از آن دسته نیستم که انسان را واجد استعداد طبیعی داستان‌گویی می‌دانند. برای من داستان‌گویی با آشفستگی‌هایی همراه است. وقتی در مدرسه مجبور بودم انشاهای مونولوگ روایی بنویسم، دماغ می‌شدم. نمی‌دانستم قرار است چه کسی این داستان‌ها را بخواند و اصلاً بلد نبودم که آنها را بنویسم.

من خیلی خوب می‌دانم که اگر قریحه یا استعدادی در کار نباشد، چه مشکلاتی پیش روی نویسندگی است. نخستین تلاش‌های من برای داستان‌نویسی به شب‌های تنهایی من بازمی‌گردد که در شهر دیگری تدریس می‌کردم. در این شب‌ها، پس از آن‌که از بازی شطرنج رایانه‌ای خسته می‌شدم، مشغول نوشتن داستان می‌شدم. اوایل نتیجه‌ی کارم چندان چشمگیر نبود، ولی کم‌کم از این کار خوشم آمد.

پس از آن کنجکاویم برانگیخته شد و از خودم پرسیدم برای نوشتن روایت‌ها چه مهارت‌هایی لازم است. این‌جا بود که دوباره با مسئله‌ی «توانش نوشتن» روبه‌رو شدم؛ موضوعی که سال‌هاست به آن مشغولم. البته حوزه‌ی کار من بیشتر متون علمی است، ولی اگر بنا را بر این

1 Roland Barthes, *Das semiotische Abenteuer*, 1988, S. 102.

بگذاریم که متون علمی و ادبی تفاوت چندانی با هم ندارند، می‌شود گفت مشکلات نویسندگان این دو حوزه هم مشابه است.^۱

من سال‌هاست که برای هنرجویان مختلف کارگاه‌های داستان‌نویسی برگزار می‌کنم. در کارگاه‌های داستان‌نویسی با همکارم داگمار دورگر، از هنرجویان می‌خواستیم داستانی بنویسند و بعد به‌همراه خودشان آن را روی صحنه بازی می‌کردیم. اخیراً به‌صورت تخصصی روی نویسندگی ادبی کار می‌کنم. در این حوزه بیش‌از‌همه بحث «فن روایت» مطرح است؛ یعنی ابزارهای زبانی که به کار می‌گیریم تا شخصیت‌های داستان را به کنش، تفکر یا احساس واداریم. از طریق فن روایت، داستان‌نویسی مبدل به فعالیتی روش‌مند می‌شود که می‌توان آن را فهمید و فراگرفت. فن روایت در نوشتن زندگی‌نامه و متون تخیلی به یک اندازه اهمیت دارد.

اگر به تحقیقات علمی در زمینه‌ی داستان‌گویی مراجعه کنیم، تصویری رنگارنگ و چندپاره در ذهنمان تداعی می‌شود. در این حوزه، بخش عمده‌ای از کتاب‌ها منبعث از علوم ادبی و بقیه از زبان‌شناسی است. در روان‌شناسی و علوم اجتماعی، از منظری کاملاً متفاوت، گفتمان‌های قابل توجهی درباره‌ی روایت تکوین یافته است. رهیافت‌های روان‌درمانی نیز منطبق بر علوم یادشده‌اند. در روان‌شناسی و علوم اجتماعی، روایت به منزله‌ی چارچوب نظری و روش تحقیق به کار برده می‌شود. وجه عملی روایت، بیش از همه در سنت آمریکایی «نویسندگی خلاق» مضمون‌پردازی شده است. تعجب‌آور است که بین رهیافت‌های داستان‌نویسی در ادبیات و رهیافت‌هایی که داستان‌گویی را پدیده‌ای روزمره می‌انگارند، هیچ پل ارتباطی وجود ندارد.

در نوشتن این کتاب از سه منبع الهام گرفته‌ام؛ علم، هنر و آموزش داستان‌نویسی. انکار نمی‌کنم که برای حفظ این سه در کنار یکدیگر، ناتوانی‌ام را به چشم دیدم و فقط در آینده خواهم فهمید که نوشتن این کتاب شجاعت بوده است یا جسارت. جایی که تردیدی داشتم معیاری

1 Otto Kruse, *Keine Angst vor leeren Blatt* (1995), und Otto Kruse, Eva Maria Jakobs und Gabeila Ruhman (Hrsg.), *Schlüsselkompetenz. Schreiben*.

آموزشی را برگزیدم تا کارم آسان‌تر شود. من در درجه‌ی اول خودم را مربی خلاقیت می‌دانم و زمانی در کارم موفقم که بتوانم به دیگران بگویم وقتی که داستانی می‌گوییم یا می‌نویسیم، در واقع چه می‌کنیم و اگر بخواهیم روایتی را طوری شکل دهیم که دیگران از خواندن، شنیدن یا دیدن آن لذت ببرند، باید چه بکنیم.

باید از اولریکه لانگه، میسائلا مسینر، گابریه‌لا روهمان، ایرمگارد والنر و آرنه وروبل تشکر کنم که با توضیحات نقادانه کتاب را همراهی کردند. سپاسگزار اووه والتر هستم که مشوق من در نوشتن کتاب بود و همچنین ناشرم لوتز کروت بابت اعتمادِ تزلزل‌ناپذیرش به انجام کتاب. همچنین از کلاوس گابرت تشکر می‌کنم که تصحیح دست‌نوشته‌ی کتاب را تقبل کرد.

فصل یکم

هنر بیان زندگی در زبان

این فصل به علت تألیف این کتاب می‌پردازد. به‌علاوه در این فصل مشخص می‌شود که این کتاب پاسخگوی کدام یک از انتظارات شماست. من خلاصه‌ای اجمالی از رهیافت‌های مختلف داستان‌نویسی ارائه می‌کنم. قصد دارم روشن‌تر بیان کنم که چرا داستان‌نویسی، هنر بیان زندگی در زبان است. از نکاتی درباره‌ی چستی توانایی داستان‌نویسی آگاه می‌شوید و درمی‌یابید که چرا من نه می‌توانم و نه قصد دارم که روشی «صحيح» برای نوشتن روایت‌ها به شما ارائه کنم.

اندیشه‌ی اصلی کتاب

در سال‌های اخیر نظرهای زیادی درباره‌ی نقصایص فرهنگ روایی آلمان بیان شده است. تعداد نویسندگان جوان به‌طرز رضایت‌بخشی زیاد است، اما ادبیات آلمان کمتر به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شود و ناشران از هزینه‌های بالای ترجمه و پرداخت حق تألیف نویسندگان خارجی گله‌مندند. ظاهراً فیلم‌های آلمانی هم نسبت به رقبای خارجی عاری از ظرافت‌های روایی‌اند و صنعت رسانه هم فاقد برنامه‌های خوب و فیلم‌نامه‌های ارزش‌مند است. حتا ورای استدلال‌های اقتصادی، در حال حاضر بسیاری از مضامین معاصر ما، عاری از چنان پرداخت روایی‌ای هستند که در آستانه‌ی هزاره‌ی جدید جایگاه ادبی شایسته‌ای برای ما به ارمغان بیاورند.

وقتی به‌همراه نویسندگان جوان، تمرین‌های روایی انجام می‌دهم، تعجب می‌کنم که چقدر دانش آنها از شالوده‌های داستان‌نویسی اندک